

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۱، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۸، صص ۶۹ تا ۹۱

تحلیل و بررسی سبک نگارش طالبوف؛ بر پایه سه اثر مسالک‌المحسنین،

ایضاحات در خصوص آزادی و سیاست طالبی

دکتر فاطمه حیدری^۱، مهرداد نصرتی^۲



تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۸

چکیده

دگرگونی سبک نثر در نیمه دوم پادشاهی قاجار در آثار آغازگرانی چون حاج زین‌العابدین مراغه‌ای، طالبوف، میرزا ملکم خان، احمد روحی کرمانی و میرزا حبیب اصفهانی، در منابع مختلف مورد بررسی قرار گرفته و ما از بین نام‌های یاد شده، بنا داریم سه اثر عبدالرحیم طالبوف را مورد بررسی قرار دهیم. طالبوف یکی از نویسندگان روشنفکری است که با آثار خود که در نثر شیوا پدید آمده، تأثیر شگرفی بر روشنگری عصر خود گذاشته است. آثار وی بازتاب دهنده اوضاع و احوال جامعه و بازگوکننده افکار و عقاید و مهارتش در پرداخت و ساختار ادبیات داستانی است. وی که از پیشروان داستان‌نویسی محسوب می‌شود، به علت آشنایی‌اش با زبان‌های فارسی، ترکی، روسی و عربی، تحول مطلوب و تأثیرگذاری در حوزه نثر فارسی و اندیشه، ایجاد کرده که به همین منظور، مهم‌ترین آثار او را در زمینه داستان‌نویسی (مسالک‌المحسنین) و اندیشه سیاسی (ایضاحات در خصوص آزادی) و واپسین اثری که بعد از مرگ وی منتشر شده (سیاست طالبی) مورد بررسی قرار داده‌ایم.

کلید واژگان: طالبوف، نثر، مسالک‌المحسنین، سیاست طالبی، ایضاحات در خصوص آزادی

^۱ . دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)

^۲ . دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران. mehrdad_nosrati88@yahoo.com

مقدمه

بررسی آثاری که در آستانه پیروزی انقلاب مشروطیت و بعد از آن پدید آمده‌اند، گویای این واقعیت است که نثر فارسی، بالاخره پس از غلبه هزار ساله شعر فارسی، هویت مستقلی یافته و نوآوری نویسندگانی چون میرزا عبداللطیف طسوجی با ترجمه هزار و یک شب (۱۲۵۹ قمری)، قائم مقام فراهانی (۱۲۵۱-۱۱۹۳ قمری) با منشآت و مجدالملک سینکی با رساله انتقادی سیاسی کشف الغرایب یا رساله مجدیه (۱۲۸۷ قمری)، مانند میراثی ارزشمند به نویسندگان روشنگر و آزاد اندیش و منتقد عصر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه رسید و آنها، مضامین سیاسی و انتقادی و روشنگرانه را با نثری ساده‌تر و با رویکردی واقع‌گرایانه‌تر درآمیختند و نویسندگانی مانند طالبوف (۱۳۲۹-۱۲۵۰ قمری) و زین‌العابدین مراغه‌ای (۱۳۲۸-۱۲۵۵ قمری)، با تلاش برای عامه فهم کردن نوشته‌های خود، هدف‌های اصلاح طلبانه و سیاسی خود را علیه استبداد، جهل، عقب‌ماندگی‌های فرهنگی و اجتماعی، خرافه‌گرایی، بی‌قانونی پیش بردند و همزمان در راستای اعتلای داستان‌نویسی و اندیشه‌ورزی گام برداشتند. دکتر فرشیدورد در بررسی شیوه نگارش دوره قاجار، معتقد است سبک نگارش در دوره قاجار تحت تأثیر ترجمه و روزنامه و تحولات اجتماعی و ادبی دیگر به سادگی گرایید و در کنار دلایل مختلفی که وی برای ساده شدن نثر می‌شمارد، یکی را هم داستان‌ها و نوشته‌های آخوندزاده و طالبوف و زین‌العابدین مراغه‌ای می‌داند. (فرشیدورد، ۱۳۸۷: ۱۴۵)

پیشینه تحقیق

بررسی سبک آثار طالبوف و مشخصاً سه اثر مورد بررسی این رساله، طبیعتاً بررسی افکار و عصر این نویسنده را هم شامل می‌شود. در این زمینه کتاب، مقالات و رساله‌هایی نوشته شده که پاره‌ای از آثاری که در قالب کتاب، موضوع ذکر شده را در بر گرفته‌اند، در بخش مقالات و منابع معرفی شده‌اند و در این‌جا از تعدادی مقاله و پایان‌نامه که موضوعی نزدیک به موضوع این رساله را مورد بررسی قرار داده‌اند، نام می‌بریم.

- زندگینامه و تاثیر اندیشه‌های عبدالرحیم طالبوف تبریزی در بیداری مردم ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمد محمودزاده‌اقدم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر، ۱۳۹۳.

- بررسی افکار و اندیشه‌های طالبوف میرزا عبدالرحیم و نقش آن در مطبوعات ایران، پایان‌نامه کارشناسی فرهاد ابوعلی درویش طاهری، دانشگاه آزاد تهران، ۱۳۷۲.
- مقاله سبک‌شناسی ساختاری دو اثر طالبوف (احمد-مسالک المحسنین)، فاطمه حیدری و فاطمه صیدی، فصل نامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی، دوره ۵، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۹۲.
- مقاله وجه ادبی نو در گفتار سیاسی عصر مشروطه، تورج اتابکی، فصلنامه گفتگو، ش ۲۳، بهار ۱۳۷۸.
- مقاله سایه نثر قاجار بر شیوه نگارش فارسی امروز، دکتر احمد خاتمی - مژگان اصغری طرقی، ادب فارسی، دوره ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۹۳۱، شماره پیاپی ۱.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی است.

مبانی تحقیق

مبانی تحقیق شامل بنیان‌های تحقیق و دربردارنده نظرات صاحب نظران یک حوزه است. در این مقاله که بررسی سبکی سه اثر طالبوف مد نظر است، سه اثر مسالک‌المحسنین، ایضاحات در خصوص آزادی و سیاست طالبی از سه منظر سطوح زبانی، ادبی و فکری، بر مبنای الگوی دکتر سیروس شمسیا در سبک‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرند که به فراخور موضوع، در ذیل عناوینی بررسی شده‌اند.

طالبوف

عبدالرحیم طالبوف در سال ۱۲۵۰ قمری (۱۸۳۴) در محله سرخاب تبریز به دنیا آمد و به اعتبار بسیاری از منابع، در سال ۱۳۲۹ قمری (۱۹۱۱) در تمرخان شوره (دارالحکومه داغستان) درگذشت اما ایرج افشار معتقد است در تاریخ فوت او اختلاف وجود دارد. وی به استناد گزارش روزنامه شمس، به این نتیجه می‌رسد که طالبوف اوایل ماه ربیع‌الآخر ۱۳۲۹ فوت شده اما در عین حال این تاریخ را با نقل مرحوم علامه قزوینی یکی نمی‌داند: «...اما مرحوم قزوینی در یادداشت‌های و فیات معاصرین، مندرج در مجله یادگار، تاریخ

وفات او را اواخر سال ۱۳۲۸ هجری ضبط کرده‌اند.» (طالب‌اوف، ۱۳۵۷:۱۶) طالبوف در خانواده‌ای کودکی و نوجوانی خود را گذراند که روزگار خود را با شغل درودگری می‌گذراندند. پدر وی شیخ ابوطالب بن علی مراد بود که اگرچه پیشه نجاری‌اش، شغل آینده عبدالرحیم نشد اما شغل و نام و یادش، تا پایان عمر در امضای پسرش محفوظ ماند: عبدالرحیم بن ابوطالب نجار تبریزی. (بهبودی، ۱۳۷۵:۸۱)

مهاجرت به تفلیس

طالبوف تا ۱۶ سالگی در زادگاهش ماند و تحصیلات مقدماتی خود را با آموزش‌های صرف و نحو و منطق و فلسفه و فقه، در مدرسه طالبیه تبریز فراگرفت اما در این سن که مصادف بود با مرگ محمدشاه و به تخت نشستن ناصرالدین میرزا، عبدالرحیم مرزهای جدید ایران را پشت سر گذاشته، به سرزمین‌های از دست رفته، به آن سوی ارس مهاجرت کرد و در تمرخان شوره، مرکز داغستان اقامت گزید و تا آخر عمر همانجا ماند. (امیر احمدی، ۱۳۸۱:۶۸ و بهبودی، پیشین) طالبوف در تفلیس به خدمت مقاطعه‌کاری به نام محمد علی خان غفاری در آمد و با فرزندان او هم آشنا شد و از آنان در کتاب‌های خود به نام اسد و ماهرخ نام برد. (طالب‌اوف، ۱۳۵۷:۱۷) طالبوف پس از سال‌ها کار و کوشش، توانست ثروتی بیندوزد و در تمرخان شوره، مرکز حکومت داغستان، منزل آبرومند و بزرگی تهیه و زندگی دلخواهی را آغاز کند. «وی در قفقاز زنی از مردم دربند را به زوجیت اختیار کرد و از وی یک دختر آورد. این زن شیعی مذهب بود.» (پیشین)

وی پس از مهاجرت، همزمان زبان روسی را هم فرا گرفت و کم‌کم با تفکر و علوم اروپایی آشنا شد. در مورد علت مهاجرت او دلایل زیادی ذکر شده است. برخی علت اصلی مهاجرت‌های گروهی و فرد در آن برهه زمانی را «نابسامانی اقتصادی و عدم امنیت داخلی» ذکر می‌کنند. (ریسینیا، ۱۳۷۴:۸۱۰) برخی دیگر هم دلیل مهاجرت شخص طالبوف را تلاش برای رسیدن به آرزوهای دور و درازی که در سر داشت، می‌دانند (حائری، ۱۳۶۴:۴۷) به طور کلی دلیل مهاجرت او را با توجه به زمان و مکانی که در آن زندگی طی کرد، می‌توان در جهت علم‌آموزی و کسب و کار دسته بندی کرد. بنابراین تحصیل و تجارت، می‌تواند دو انگیزه

قوی طالبوف در سفرش به تفلیس روسیه بوده باشد. انگیزه‌هایی که هر دو به بار نشست و او هم تاجر موفق شد و هم به دلیل آموختن زبان و ادبیات روسی، دنیای تازه‌ای از علوم و معارف دنیای متمدن غرب را به روی خود گشوده دید. برخی از پژوهشگران، معتقدند اشتغال طالبوف به کار تجارت، توفیقش در زمینه علم آموزی را کند کرده ولی در سایه تلاش، در نهایت توانسته موفق شود: «طالبوف به دلیل تحصیل ناکافی و شغل مقاطعه کاری که برای امرار معاش بدان روی آورده بود، نتوانست با ادبیات و علوم، آشنایی عمیقی کسب کند ولی سخت‌کوشی و شوق او قابل تحسین و تمجید است و به مفهومی سرانجام او را به موفقیت رسانید.» (کریستف بالائی و میشل کوبی پرس، ۱۳۸۷: ۴۰) ادعایی که با لحاظ کردن احاطه او بر علمی مثل فیزیک و شیمی و ستاره‌شناسی (کسروی، ۱۳۸۳: ۴۴) نمی‌تواند درست باشد و یا دست‌کم نمی‌توان پذیرفت که با علوم آشنایی عمیق پیدا نکرده و اگر هم پیدا کرده، در سایه شوق و پشتکارش بوده است. بی‌شک و به اعتبار آثار طالبوف، به‌خصوص سفینه طالبوف یا کتاب احمد که موضوعات علمی و فلسفی و سیاسی، در ساختاری گفت و گو محور بین پدری عالم و پسر جوانش به نام احمد طرح می‌شود، نشان‌گر احاطه طالبوف بر موضوعات یاد شده است که بی‌شک ریشه در آموزه‌های او دارد که به خوبی فراگرفته شده‌اند. درباره علاقه طالبوف به آموختن، اشارات فراوانی وجود دارد. به گفته حائری، او علاقه زیادی به آموختن داشت و بیشتر وقت خود را به مطالعه مطالبی اختصاص می‌داد که از زبان‌های اروپایی به روسی ترجمه شده بودند. (حائری، ۱۳۶۴: ۴۹) این کار او سبب شد که در عین آموختن زبان روسی، آثار معروف بسیاری را از نویسندگان روسی و اروپایی بخواند. مطالعه مداوم و خواندن آثار بزرگان، زبان روسی او را به حدی تقویت کرد که توانست تعدادی از آنها را نیز ترجمه کند. علاقه طالبوف به آموختن علم، از خلال آثار شبه خوبی قابل مشاهده است. این اشتیاق او تا حدی است که علی‌اکبر ولایتی، از آن تحت عنوان «علم‌زدگی» یاد می‌کند. (ولایتی، ۱۳۶۸: ۶۵) با این‌همه، طالبوف درباره علم و آگاهی و زبان‌دانی‌اش، فروتن است اما به جایگاه خود در رواج شیوه نوینی از نثر اشراف و اذعان دارد. وی در نامه‌ای که در تاریخ ۱۳ رمضان ۱۳۱۴ هجری به مرحوم میرزا یوسف‌خان اعتصام الملک نوشته است، می‌گوید: «بنده به زبان روسی آشنا هستم. فرانسه نمی‌دانم. خط روسی

را بسیار بد می‌نویسم. خط ایرانی طبیعی بنده نیز تعریفی ندارد. عربی هیچ بلد نیستیم. فارسی را معلوم است چنان می‌دانم که عرب فارسی را. با وجود این از برکت کثرت مطالعه و زور مداومت بعضی آثار به یادگار گذاشتم که اخلاف بنده تکمیل نموده، بنده را مهندس انشای جدید بدانند.» (طالبوف، ۱۳۵۷: ۱۸)

آثار طالبوف

طالبوف آثار خود را در دو دهه پایانی عمر خود منتشر کرد: «آثاری که طالبوف ترجمه کرده و از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۱ چاپ و منتشر شده، گواهی است بر فعالیت بی‌وقفه او در طول بیست سال آخر زندگی در جهت بیداری جامعه ایران و رهایی فکری و سیاسی آن.» (کریستف بالائی و میشل کوبی پرس، ۱۳۸۷: ۴۰) فریدون آدمیت توضیح کامل‌تری دارد: «طالبوف، هیچ‌گاه علم را رها نکرد..... کتابخانه مفصلی ترتیب داد. از آن پس به کار نگارش دست برد. گفتنی است همه آثارش را از حدود پنجاه و پنج سالگی به بعد نوشت. بیست و چند سال بقیه عمرش را به ترجمه و نگارش و نشر آثارش پرداخت.» (آدمیت: ۱۳۶۳، ۱۶) وی درباره آثار طالبوف معتقد است: «آثار طالبوف به ترتیب تاریخ نشر بدین قرار است: نخبه سپهری، اسلامبول ۱۳۱۰ قمری، کتاب احمد یا سفینه طالبی، دو جلد، اسلامبول ۱۲-۱۳۱۱، ترجمه فیزیک یا حکمت طبیعی، اسلامبول، ۱۳۱۱، ترجمه هیئت جدید (از فلاماریون، اسلامبول ۱۳۱۱، ترجمه پندنامه مارکوس قیصر روم، اسلامبول ۱۳۱۲، مسالک‌المحسنین، قاهره ۱۳۲۳، مسائل‌الحیات، تغلیس ۱۳۲۴، ایضاحات در خصوص آزادی، تهران ۱۳۲۵؛ سیاست طالبی، تهران ۱۳۲۹... بر آن بود که تئاتر یا نمایشنامه‌ای هم بنویسد که موضوعش بی‌ارتباط با اعتراض بر وکالت مجلس او نبود. شعر سیاسی هم سروده و آنها را نخستین اشعار پولیتیکای فارسی شمرده است.

همه آثار نویسنده ما نخستین بار در خارج از ایران و به خرج خود به طبع رسید مگر ایضاحات در خصوص آزادی و سیاست طالبی که در عصر مشروطه و آزادی در تهران منتشر گشت، یکی در حیات او و دومی پس از مرگش.» (پیشین، ۴-۳)

طالبوف میرزا حسن رشدیه را به عنوان وصی ادبی خود تعیین می‌کند و در نامه‌ای به تاریخ

۲۸ محرم ۱۳۲۴، خطاب به وی می‌نویسد: «بنده عبدالرحیم بن شیخ ابوطالب تبریزی، طبع همه تألیفات و ترجمه‌های خود را در حال حیات و کتاب مسائل الحیات و مسالک‌المحسنین را بعد از وفات به اختیار جناب حاجی میرزا حسن مدیر مکتب رشديه واگذاردم که خود یا دیگری را رخصت طبع دهد. غیر از ایشان احدی حق ندارد که حقوق و زحمات ادبیات مرا غصب یا تصرف نماید. اگرچه وارث من باشد. مگر این که شخصی از خارج ایران از من خواهش طبع نماید و اذن بدهم، اذن موقتی خواهم داد نه دائمی. همچنین حق طبع کتب بنده فقط مخصوص شخص آقای میرزا حسن است نه اخلاف او. بعد از ایشان، طبع همه مؤلفات بنده بی استثنا آزاد است.» (طالب‌اوف، ۱۳۵۷: ۷۷)

بحث

بررسی آثار طالبوف

در بین آثار طالبوف، مسالک‌المحسنین و کتاب احمد از این منظر که با رویکرد داستانی پدید آمده‌اند و به زعم بسیاری، طالبوف به شیوه داستان‌پردازی اروپاییان نزدیک شده (مهرور، ۱۳۸۰: ۱۰)، جایگاه ویژه‌ای نزد بررسی‌کنندگان پیشینه داستانی ادبیات معاصر دارند. البته این که چنین آثاری را در حوزه ادبیات داستانی و رمان بدانیم، نیاز به اغماض فراوانی دارد و بهتر است از تعبیر شبه‌داستان و نوع سفرنامه‌ای به آثاری از این دست نگاه کرد: «داستان‌های دوره مشروطه چارچوب سفرنامه‌واری دارند و تجربه‌هایی آغازین در شکل‌گیری رمان فارسی به شمار می‌آیند. مراغه‌ای و طالبوف، تحت تأثیر آثار ترجمه شده اروپایی و فرم سفرنامه‌نویسی متداول زمانه، ترفند اتصال رویدادها را از راه سفر برای پیوستن وقایع و چشم‌اندازهای گوناگون زندگی ایران به کار می‌گیرند. آثار آنان سفرنامه‌هایی تخیلی‌اند» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۱۱۶۰). «سفر خودبه‌خود تسلسل زمانی و مکانی را به وجود می‌آورد و بنابراین زمان و مکان مشخص و تعریف شده و قابل اشاره به این طریق به قالب‌های داستانی راه یافت. در سفرنامه نیاز به پیچیدگی و پیش و پس کردن حوادث و ورود و خروج شخصیت‌ها و گره و گره‌گشایی نیست. معمولاً نویسندگان در خلق شخصیت‌های تازه هم زحمت چندانی نمی‌کشیدند، تجربیات خود را به‌طور مستقیم با یک همراه یا نوکر، رنگ تخیل می‌زدند. نویسنده از مبدأ داستان، سفر خود را شروع می‌کرد و به ترتیب زمانی و مکانی از جاهایی

دیدن می‌کرد و با اشخاصی برخورد می‌کرد و آن‌ها می‌آمدند و می‌رفتند. در طول سفر، نویسنده هرچه را که از (تصویر) برابر چشم می‌گذرد نقل می‌کند. بنابراین به داشتن مهارت زیادی در خیال‌پردازی نیز احتیاج نیست» (عبداللهیان، ۱۳۷۷: ۱۸-۱۹).

سبک‌شناسی سه اثر طالبوف

در بررسی ویژگی‌های سبکی یک اثر نوشتاری، بررسی زبان آن اثر در دستور کار قرار می‌گیرد. زیرا زبان ظرف معناست و علاوه بر الزام بررسی ساخت آوایی آن، آنجا که نیاز به بررسی جنبه‌های فکری یک اثر باشد، وجه دیگری از زبان برجسته می‌شود. زیرا با تاریخ و هویت و هستی یک قوم و ملت ارتباط مستقیم دارد: «منتسکیو دو سده پیش گفت مادام که ملت شکست خورده‌ای زبان خود را از دست نداده، امید پیروزی برایش هست... وقتی قومی به اسارت دشمن در آید و مغلوب و مقهور بیگانه گردد تا وقتی که زبان خویش را همچنان حفظ می‌کند، همچون کسی است که کلید زندان خویش را در دست داشته باشد.» (امینی، ۱۳۹۰: ۸۵) دکتر شمیسا یکی از عملی‌ترین و ساده‌ترین راه‌ها را در بررسی سبک‌شناسانه متن، بررسی آن متن از سه منظر و سطح زبان، فکر و ادبیات می‌داند تا با بهره‌گیری از این راهکار، بتوان بر اجزای متشکله متن اشراف پیدا کرد و ساختار متن را با توجه به رابطه اجزا با یکدیگر یافت. سطح زبانی در این رویکرد، شامل سه سطح آوایی، لغوی و نحوی است (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۵۵-۱۵۳). سطح زبانی سه سطح آوایی، لغوی و نحوی را در برمی‌گیرد. در بررسی‌های سطح آوایی موسیقی بیرونی و درونی، انواع سجع و جناس، مسائل کلی تلفظ آثار مورد توجه قرار می‌گیرد. در بررسی‌های سطح لغوی، لغات فارسی دخیل، کهنه‌گرایی، اسامی بسیط یا مرکب، اسم معنی یا ذات، نوع گزینش واژه، نوع صفت و ... در متن مورد نظر، بررسی می‌شود و در مطالعات سطح نحوی، کوتاه یا بلند بودن جملات، کاربردهای کهن دستوری وجوه افعال و ... توجه می‌شود. در بررسی مختصات فکری یک اثر، به درونگرا یا برونگرا بودن اثر، شادی‌گرایی و غم‌گرایی، خردگرایی و عشق‌گرایی، نگرش فلسفی، عرفانی و کلامی شاعر و نویسنده، گرایش‌های ملی و مذهبی و ... توجه می‌شود و در نهایت در بررسی مختصات ادبی به بسامد لغاتی که

در معانی ثانویه (مجاز) به کار رفته‌اند، توجه می‌شود. مسائل علم بیان از قبیل تشبیه و استعاره و سمبل و کنایه و بدیع معنوی از قبیل ایهام و تناسب و به طور کلی زبان ادبی اثر و انحراف‌های هنری و خلاقیت ادبی در زبان مورد توجه قرار می‌گیرد. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۵۱-۱۶۰) با این مقدمه به بررسی ویژگی‌های سبکی در آثار مورد نظر می‌پردازیم.

۱- سطح زبانی

الف) سطح آوایی یا سبک‌شناسی آواها

مسالک المحسنین ساختاری داستانی دارد، طالبوف حین داستان پردازی‌هایش برای تلطیف موضوع و خوش آهنگ کردن کلام در جای جای متن، از آرایه سجع و جناس بهره برده است. اما در رساله ایضاحات در خصوص آزادی، طالبوف درباره مفاهیمی چون آزادی، مجلس شورای ملی و وظایف نمایندگان مجلس، قوانین آتیه ایران، مالیات و قانون اساسی بحث می‌کند و قصدش از نوشتن این رساله، توضیحاتی در باب این مسائل به شیوه‌ای اقناعی است، بنابراین در نوشتن این رساله، زبانی رسمیو عاری از فنون ادبی را برگزیده است، زبانی که در کتاب سیاست طالبی هم به کار گرفته شده است.

نمونه‌هایی از سجع

«آنچه خواستم بدانند در قلوب رجال خویش نگاشتم و انکشاف اکثر آنها را در اعصار آینده وعده گذاشتم.» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۱۳۴)

«گفت وظیفه مرکز استقرار است و بیداری، وظیفه اجزاء آسودگی و فرمانبرداری.» (همان: ۱۵۱)

«هزار واسطه برانگیختم، صد کوزه پر را به خالی ریختم...» (همان: ۲۶۳)

«ما اول کار زمین را بسازیم بعد به آسمان پیروازیم!» (همان: ۲۸۰)

«از معلمین نتراشیده در مکاتب، باب هشت در عشق و جوانی چنان‌که افتد و دانی یا حکایت قاضی همدانی...» (طالباف، ۱۳۵۷: ۱۹۸)

نمونه‌هایی از جناس

«خواهید فرمود سرتیپی بی فوج ایران حضيض بی اوج یا سراب بی موج است.» (طالبوف،

«وظیفه عالم بی غرض تربیت ارواح جاهله و نفوس کاهله است.» (همان: ۱۹۰)

«رجال کافی مجرب از دربار دور و امارده و جهال دائم الحضور و شریک سور و سرور سلطانی گردد.» (طالباف، ۱۳۵۷: ۱۹۷ و ۱۹۸)

همان طور که در نمونه‌ها، مشخص است، استفاده از جناس و سجع یکی از پربسامدترین آرایه‌های به کار رفته در کتاب مسالک المحسنین است و حضور این آرایه‌ها در رساله ایضاحات در خصوص آزادی و سیاست طالبی اندک است.

ب) سطح لغوی یا سبک‌شناسی واژه‌ها

در این سطح درصد لغات فارسی و غیر فارسی، اعم از عربی و ترکی و روسی، کهن گرایی (آرکائیسیم)، جمع‌های مکسر و لغات مهجور، مورد ملاحظه و بررسی قرار گرفت. طالبوف در آثار مورد مطالعه ما، بیشتر از واژگان عربی، روسی، انگلیسی و ترکی استفاده کرده است. زندگی طالبوف در خارج از مرزهای ایران و آشنایی او با زبان‌های عربی، روسی و زبان مادری اش یعنی ترکی، موجب استفاده و حضور واژگان و اصطلاحات و ترکیباتی از این زبان‌ها در نوشته‌هایش شده است از میان زبان‌ها، لغات و ترکیبات عربی در نوشته‌های او بسامد بیشتری دارد.

زبان عربی در نوشته‌های طالبوف

استفاده از لغات، ترکیبات و حتی تاثیر پذیری از ساختارهای دستور زبان عربی در نوشته‌های طالبوف به وفور مشهود است و در هر صفحه از نوشته‌های او می‌توان نمونه‌های بسیاری برای این ادعا آورد.

واژگان عربی

اکل = خوردن (طالبوف، ۱۳۲۳: ۸۹)

قدید = گوشه‌خشک کرده (همان: ۹۷)

مسوده = نوشته (طالبوف، ۱۳۵۷: ۱۰۰)

ترکیبات عربی

بحرهدواجات = دواتمرکب (طالبوف، ۱۳۲۳: ۸۲)

مولد نوم = خوابآور (همان: ۹۰)

مطابقت صفت با موصوف بر مبنای دستور زبان عربی

مطابقت صفت با موصوف بر مبنای دستور زبان عربی به وفور در نوشته‌های طالبوف

دیده می‌شود.

- قنات‌های عجیبه (طالبوف: ۱۳۲۳، ۲۴)

- اقدامات مهمه و مخوفه (همان: ۹)

- ملاحظه دقیقه (همان: ۴)

- نتیجه و خیمه (طالبوف: ۱۳۲۹: ۱۳۷)

- ملل متمدنه (همان: ۱۴۰)

- نقطه مقتضیه (همان: ۱۴۲)

- اطلاعات بالغه (همان: ۱۹۶)

- هیئت متعصبه (طالبوف: ۱۳۵۷: ۱۳۷)

- سلطنت مطلقه مقتدره (همان: ۱۴۷)

کاربرد واژگان روسی، انگلیسی و فرانسوی

طالبوف علاوه بر اینکه واژه‌ها و اصطلاحاتی از زبان انگلیسی، روسی و فرانسه در نوشته‌هایش استفاده کرده، برای این کلمات و اصطلاحات، شرحی در حد ترجمه کلمه یا تشریح آن آورده است. بیشتر این نوع تشریح در کتاب مسالک‌المحسنین دیده می‌شود.

سیسوالیسم، (سوسیالیسم) علم اصلاح حالت فقرا و رفاهیت محتاجین (طالبوف، ۱۳۲۳: ۵۸)

گلاس (شیشه) (همان: ۸۷)

پاژار (این قوت لیتیا کوتلیت را از سینه مرغ درست می‌کنند و یکی از غذاهای لطیف

فرانسویاست.) (همان: ۸۸)

سیویلیزاسیون (تمدن) (همان: ۹۲)

پولتیک (همان: ۱۰۳ و ۲۳۶)

ستاتستیک (مرگومیر) (همان: ۱۱۲)

لاخاس (لهاسا، پایتخت کشور تبت) (همان: ۱۱۶)

- دالایلام (دالانی لاما پیشوای مذهبی مردم تبت) (همان: ۱۱۶)
زبان نمسه (اتریش) (همان: ۱۵۶)
ایکونوم (اکنومی، اقتصاد) (همان: ۱۶۶)
پاترون (فشنگ) (همان: ۲۰۷)
یول (ژوئی) (همان: ۲۰۸)
گروپ (گروه، دسته جمعی) (همان: ۲۲۹)
سکرتر (منشی) (همان: ۲۳۱)
آنتریک (توطئه) (همان: ۲۳۲)
فوت به معنی پا و هر فوت برابر ۳۰/۴۸ سانتیمتر است. (همان: ۲۴۱)
سقنال (سیگنال، علامت مخابراتی) (همان: ۲۵۷)
پوسته (پست) (همان: ۲۵۹)
کونفیدنسیال (محرمانه) (همان: ۲۶۹)
آنسیکلوپدی (دایرةالمعارف) (همان: ۲۷۹)
آیستات (فرودگاه) (همان: ۲۸۰)
سیسوالیسم (طالبوف، ۱۳۲۳: ۵۸)
پارلمنت (همان: ۷۱ و ۲۶۶)
دیپلوماسی (همان: ۸۴)
آکت (طالباف، ۱۳۵۷: ۱۰۱)
پرایکت (همان: ۱۲۱)
انتریک و پروتزه (همان: ۲۰۶)

تأثیر زبان ترکی بر نوشته‌های طالبوف

زبان ترکی، زبان مادری طالبوف در نوشته‌های او حضور پر رنگی دارد. این حضور تنها به استفاده از لغات ترکی محدود نمی‌شود، گاهی در سراسر جمله نمایان است و در ترجمه لفظ به لفظ جملات نمود پیدا می‌کند. استفاده از ضمیرهای نادرست، استفاده از حروف ربط

نادرست و تطابق نداشتن فاعل و فعل در مفرد و جمع بودن شاید به همین دلیل است. در تمام کتاب‌های طالبوف نمونه‌هایی از تاثیر زبان ترکی بر نوشته‌هایش مشاهده می‌شود.

ترجمه لفظ به لفظ از ترکی به فارسی

«حاکم را می‌شمردند.» (طالبوف: ۱۳۲۳، ۱۲۶) توضیح: در این جمله، شمردن در معنای ناسزا گفتن و فحش دادن است.

«رفتن میان رختخواب.» (همان: ۴۰) توضیح: این عبارت، عینا ترجمه یریمین ایچینه گد تیم است.

«افتاد پای من.» (همان: ۶۰) توضیح: این عبارت ترجمه دوشدی ایاغیما است.

«بادنجان سرخ را کاشتید.» (طالبوف: ۱۳۲۹، ۲۱۱) توضیح: بادنجان سرخ معادل ترکیب

قیرمزی بادمجان (گوجه فرنگی) ترکی است.

استفاده از حروف ربط نادرست

استفاده از «به» به جای «برای»

«فردا به پسر عروس می‌آید.» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۱۰۵)

«سی کرور اشیاء نفیسه به دربار خریده و صرف سیاحی گردید.» (طالبوف، ۱۳۲۹: ۲۱۸)

«این‌ها نه به حالت بنده ونه به معارف شما شایسته باشد.» (همان: ۲۳۰)

استفاده از «به» به جای «بر»

«یکی از رجال پارسال به من وارد شد.» (طالبوف، ۱۳۲۹: ۲۱۵)

«به من ناگوار آید.» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۱۹)

عدم تطابق فعل و فاعل در مفرد و جمع بودن

یکی از ویژگی‌هایی که به طور فراوان در آثار طالبوف آشکار است، عدم تطابق فعل و فاعل در مفرد و جمع بودن است. همان طور که بیشتر اشاره شد این ویژگی شاید به ترک زبان بودن طالبوف بازگردد و نتیجه ترجمه‌ای است که در ذهن نویسنده از زبان ترکی به فارسی صورت گرفته است.

«از این چهل و شش نفر، دو نفر اروپایی است.» (است به جای هستند آمده است.) (طالبوف،

«چنین اشخاصی باید اول همه اشکالات را در نفس خود حل نمایند.» (حل نماید به جای حل نمایند) (طالباف، ۱۳۵۷: ۱۰۷)

«همه ایرانی از برکت معارف خودشان کم کم حالی شده که قدرت امروزی دول، علم است.» (حالی شده به جای حالی شده‌اند) (همان: ۱۴۷)

«این که می‌گویند علما مانع ترقی است، راست است.» (مانع ترقی است به جای مانع ترقی هستند) (همان: ۲۰۴)

استفاده از افعال در غیر زمان خود

«دیروز نباید جواب صریح بدهید (می‌دادید) و ماندن اینجا را قبول نمایید (می‌نمودید).» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۲۱۱)

در آثار طالبوف نمونه‌هایی از استفاده افعال در غیر زمان خود نیز مشاهده شد که به نظر می‌آید این مورد نیز به دلیل زبان مادری او (ترکی) و نتیجه ترجمه ذهنی اوست.

استفاده از جملات کوتاه و پیاپی

طالبوف در تمام نوشته‌های خود کوتاه‌نویس است. او برای بیان مطالب خود در کنار سادگی زبان از کوتاه جملات بهره می‌برد و زبانش به زبان گفتار شباهت بسیار دارد. طالبوف از اطناب رویگردان است و به همین دلیل جملات بسیاری از او تنها در فعل خلاصه می‌شود.

«در این بین آقا قهوه خواست. آوردند خوردیم. چند نفر از شهر تازه وارد شدند، دست آقا را بوسیدند. یکی جوان بود، آقا روی او را بوسید. در پهلوی خود نشانند.» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۱۰۴)

«شب غذا خوردیم، خوابیدیم، زود برخاستیم.» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۲۵۳)

«.... هرچه می‌خواهد بقاید، اشرار بزند بکشد بچابد...» (طالباف، ۱۳۵۷: ۸۸)

«می‌توانیم بنشینیم و جلو اسب خود را بچینیم و اگر بچینیم و بنشینیم، منفور طبیعت و ملت می‌شویم.» (همان: ۱۴۵)

۲- سطح ادبی

استفاده از ضرب‌المثل

طالبوف به فراخور نیاز از ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی در نگارش کتاب‌هایش بهره

برده است. او با استفاده از این آرایه مطالب مورد نظر خود را برای مخاطب توضیح می‌دهد و مطالبی را که بر آن تاکید دارد، روشن‌تر بیان می‌کند. طالبوف در کتاب مسالک المحسنین بیشتر از ایضاحات در خصوص آزادی و سیاست طالبی از این آرایه استفاده کرده است.

«روغن را باید از شیر خواست. فیاض عالم پرتو آفتاب است نه مهتاب. از معلم بیسواد منتظر تحصیل و تربیت اطفال بود نه از آهنگر ساعت‌سازی خواستن است.» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۵۸)

«آنچه اولش بد آمد آخرش نیز بد می‌شود.» (همان، ص ۶۱)

«فمن طلب العلاء سهر الیالی» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۱۸۲)

«کوسه و ریش پهن در عالم نیست.» (ایضاحات، ص ۱۲۱)

«اگر یدالله مع الجماعه» درست است، پس وکلا را دست خدا برانگیخته...» (طالبوف،

۱۳۵۷: ۱۰۶)

*در این مورد عصبیت شما از معلومات سیاسی شما فروتر می‌نماید. بلی «از کوزه همان برون تراود که در اوست.» (همان: ۱۶۵)

اقتباس و اشارات قرآنی

عبدالرحیم طالبوف در سراسر زندگی، انسانی متشرع بود و اشارات فراوان و استناد به آیه‌های قرآنی در آثارش، گواه این مطلب است. او در جای جای نوشته‌هایش برای تکمیل و تأیید اندیشه‌هایش از آیات الهی شاهد می‌آورد و یا از آن اقتباس می‌کند.

«ان الصفا و المروه من شعائر الله، آداب صفا و مروه از شعائر خداوند است. آیه ۱۵۹ سوره بقره» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۱۷۷)

«معلوم است والی و شریف هر دو مسلمانند، ولی یقولون بالسنتهم ما لیس فی قلوبهم.» [عرب‌هایی که بر تو تخلف می‌کنند و به تو می‌گویند ما گرفتار مال و عیال هستیم برای ما طلب آموزش کن] چیزی را به زبان می‌گویند که در دل‌هایشان نیست... آیه ۱۰ سوره فتح (طالبوف، ۱۳۲۳: ۱۷۷)

«...از خارجه دانایان عمل را استخدام نمائیم. لَأَرْطَبِ وَلَا يَابِسِ إِلَّا فِي كِتَابِ مُبِينٍ، متن قرآن و آورده پیغمبر است.» هیچ‌تر و خشکی (از میوه جات و حبوبات) فرو نمی‌افتد جز آنکه (در علم ازلی او) در کتابی روشن هست... آیه ۵۹ سوره اعراف (طالبوف، ۱۳۵۷: ۱۱۳)

نعسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم؛ بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است... آیه ۲۱۶ سوره بقره» (طالبوف، ۱۳۲۹: ۱۴۴)

تصویر آفرینی‌های بدیع

طالبوف در کتاب مسالک المحسنین داستان گویی می‌کند و همین داستان گویی به او مجال تصویر آفرینی می‌دهد. اتفاقی که در ایضاحات در خصوص آزادی و سیاست طالبی تقریبا نمی‌افتد.

«خمیازه حکومت بزرگ شیراز و خراسان و کردستان را می‌کشد» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۲۱۶)
«رنگ از رخساره‌ام با عرق غیظ فرو می‌ریخت» (همان: ۲۷۴)

۳- سطح فکری

این که رویکرد فکری نویسنده چیست در این سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد. آثار طالبوف با توجه به رویکرد ملی‌گرایانه و قانون‌مند و منتقدانه او از این منظر، جای بررسی فراوان دارند و شواهد متعددی می‌توان در آنها از این منظر یافت. به عنوان مثال مسالک‌المحسنین، به تعبیر فریدون آدمیت: «حاوی اندیشه‌های فلسفی و انتقاد اجتماعی است. به صورت گفت‌و شنود خیالی میان نویسنده، دو مهندس، طبیب، معلم شیمی نگاشته شده. این گروه در ۱۳۲۰ از طرف اداره جغرافیای موهومی مظفری به قله کوه دماوند رفته‌اند. در خلال پر حرفی فراوان نویسنده، سخنان اندیشیده و با مغز آورده‌اند که روشنگر وجهه نظر مترقی نویسنده است.» (آدمیت، ۱۳۶۳: ۴) ایضاحات در خصوص آزادی هم به تعبیر آدمیت، در کنار رساله مسائل‌الحیات، مهم‌ترین اثر طالبوف در حوزه تفکر سیاسی است. (پیشین) اثری که موضوعاتی نظیر آزادی، مجلس شورای ملی و فواید آن و تکلیف نمایندگان و قوانین مجلس و مالیات را موضوع خود قرار داده است. سیاست طالبی هم که پیشتر اشاره کردیم، عنوان اثری است که بعد مرگ او منتشر شده، شامل دو مقاله سیاسی و ملکی است که به تعبیر فریدون آدمیت: «در مقاله اول از سیاست استعماری روس و انگلیس در ایران و دوز و کلک‌های روزمره آنها سخن می‌راند که خالی از اشتباه تاریخی نیست اما به درستی تمیز داده که این دو دولت همسایه، به خصلت استعماری‌شان همیشه متجاوز

بوده‌اند و همیشه دشمن استقلال و ترقی ایران... مقاله دوم انتقاد نامه‌ای است بر اوضاع عمومی ایران؛ تکرار گفته‌های نویسنده در دیگر آثار اوست. «پیشین: ۷) در این سه اثر موارد متعددی از نقد استبداد، ضرورت عبرت گرفتن از پیشرفت‌های غربیان، حب وطن، ضرورت بیداری عامه مردم، اشارات متعدد به آداب عصر، مدح و تکریم امیرکبیر و مشیرالملک، نقد موارد غیر اخلاقی نظیر شراب‌خواری و ... می‌توان یافت که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

نقد عملکرد روسیه و مدح دارالفنون

طالبوف بسیار میهن پرست است و با این که چیزی حدود نیم قرن در روسیه زندگی کرده است، اما بر نمی‌تابد که کسی ایران را مذمت کند و با وجود همه انتقادهایی که خود او دارد، معتقد است در بالا بردن غرب و نقد ایران نباید افراط کرد، باید جانب اعتدال را نگاه داشت و از محاسن و تاثیر دارالفنون در ایران غافل نبود:

«حسین باز حلوی لطف سخن خود را که از روغن و عسل فصاحت و بلاغت می‌پخت، به نمک تعصب مخلوط کرد و بی‌مزه نمود. می‌خواست ثابت نماید که در روسیه علم و صنعت و آزادی از سایر ملل متمدنه کمتر نیست. حال آنکه در روسیه دلی نیست که از فقدان نشر معارف در او اثری نباشد. در روسیه صاحب سواد از صد، سی نفر است، آن هم در بلاد. سکنه قراء کلاً بیسوادند. اگر ششصد شهر روسیه و شانزده میلیون سکنه نفوس آنها را صاحب سواد حساب بکنیم باز حسین اثبات قول خود را قادر نباشد. حسین گاهی از دارالفنون تهران چنان وصفی می‌کند که گویی این مدرسه اقلأ اسم بی‌مسمایی دارد، حال آنکه مجلس معارف جدیدالاحداث تهران و بعضی اجزای او کافی است که شخص منصف ارزش و نتایج آن مدرسه را کاملاً بداند و مشخص نماید. مللی که در شرح ذیل طبقات امم باید نیم وحشی محسوب گردد، در کتاب لغت آقا حسین ما متمدن نوشته شده...» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۷۳ و ۷۴)

نقد حزب‌گرایی و احزاب

«برای وزرا یک مسئولیت دیگر نیز در مجالس اروپا هست که او را مسئولیت فرقه‌بازی می‌گویند... حمد خدا را این مسئولیت یعنی فرقه‌بازی در مجلس ایران حالا و استقبالا نیست و نخواهد بود.» (طالبوف، ۱۳۵۷: ۹۷)

نقد نظام وارداتی ایران

«کرباس و چیت همدان، قلمکار اصفهان، مخمل کاشان، قالی خراسان سالی چند کرور حمل روسیه می‌شد... ولی الان مال قلب مسکو مال‌التجاره ایران شده و ایرانی از کاغذ قرآن تا کفن اموات، محتاج به فرنگستان است.» (طالبوف، ۱۳۲۹: ۱۹۳)

نقد نظام آموزشی و تربیتی در ایران

«یکی می‌گفت تربیت و ادبیات ما مخرب ارکان شرم طبیعی و آزرم بشری ما شد. اطفال ما از بزرگان خود جز... هزار فواحش و سایر نامربوطات دیگر نمی‌شنوند و از معلمین نتراشیده در مکاتب، باب هشت در عشق و جوانی چنان‌که افتد و دانی یا حکایت قاضی همدانی...» (طالبوف، ۱۳۲۹: ۱۹۸)

نقد خرافاتی‌گری

«اگر روز دوشنبه کاری کنیم بد تمام می‌شود، سود بکنیم بی‌سود درآید، مکتوب بنویسیم کدورت آورد، مزرعه بخریم بذر نمی‌دهد، و به هر چه اقدام نماییم، بی‌نتیجه می‌ماند.» (طالبوف، ۱۳۲۳: ۷۰)

تکریم قنات‌سازان و هنر ایرانی

«این چشمه در دامنه کوه کم ارتفاعی جاری است. اصل او از منابع عدیده چشمه سارهای چندین فرسخ دور از اینجاست. کان‌کن‌های ماهر از زیر زمین در عمق‌های متفاوت از ده تا بیست و چهار ذرع نهر بزرگی، که می‌توان در میانش سرپا مشی نمود، کنده و دورش را مثل تونل‌های فرنگستان (راهرو زیرزمینی) از سنگ و ساروج دیواره و سقف درست کرده و چشمه‌های کوچک اطراف را داخل این قنات مستقیم نموده. در این نقطه که ما هستیم آب صاف و پاک به شیرینی شربت و صفای بلور در قطر نیم ذرع به سقایت ده سردار آباد و مزارع و باغات او جاری است. آثار قدمت تمدن و «کولتور» و استعدادهایی، آسیا را کشیدن این قنات‌های عجیبه و جریان انهار زیاد، کافی و معروف دنیا است. تسطیح سه چهار فرسنگ راه جریان آب را از زیرزمین و در نقاط مقتضیه کندن ثقبه‌ها برای تنفس

کارگران و موازنه اعتدال جریان و استحکام تعمیر او، چنانکه در چندین سال هیچ صدمه و خرابی به آنها نرسد، دلیل کمال استعداد و مهارت معمار آنهاست. پل‌های ضربی و مناره‌های بلند و طاق‌های عالی الان نیز در همه آسیا تمجید و مهندسین آنها را به قدر کفایت موجود است اگر حالا برج «ایفل» می‌سازند، پل «فوزرس» درست می‌کنند همه از شیوع علم ریاضی و جرئت‌پیل است که می‌توانند هزار قطعه آهن را به هم قایم نموده و طاق یک چشمه پل را به طول چهار هزار ذرع بسازند.» (پیشین، ص: ۷۷)

در سراسر کتاب‌های طالبوف نمونه‌های فراوانی از دغدغه‌های او به عنوان کسی که بهبود اوضاع ایران را داشته، مشاهده می‌شود. او تنها به نقد ایران و ایرانی نپرداخته و در جای جای متون خود از محاسن ایران نیز سخن رانده است و راه‌های اصلاح نظام‌های مختلف اداری، اجتماع و... را گوشزد کرده است.

نتیجه‌گیری:

در زمان طالبوف، نثر نویسی رواج یافته بود اما یک‌سره از حوزه تملک اشراف و درباریان نرسته بود و هنوز هم در قید و بند تکلفات نثر منشیانه پیش از خود بود. اما با تجربیات نویسندگانی مانند طالبوف و میرزا ملکم‌خان و زین‌العابدین مراغه‌ای، این شیوه از نثر نویسی تا حدودی تلطیف و رفته رفته قید و بندهای متکلفانه در آن کم شد. اگرچه این رهایی سال‌ها بعد و در آثار نویسندگانی چون جمالزاده و هدایت، به طور مطلق خود را نشان داد اما در آثار طالبوف، حالتی بینابینی وجود دارد. به این معنی که طالبوف در آثار خود از تکنیک‌های قدمایی نثر نویسی بهره می‌گیرد و توسل به آیات قرآنی و احادیث، سجع‌پردازی، تمسک به ضرب‌المثل، فراوانی استفاده از کلمات و اصطلاحات کهن و شواهد شعری، تصرفات قدمایی در نحو جملات و ... بخشی از این تکنیک‌های قدمایی هستند که وقتی در کنار کلمات و جملات و اصطلاحات عامیانه و محاوره‌ای قرار می‌گیرند، آثار از حالت مکانیکی و خشک خارج و منعطف‌تر می‌شوند. اما نکته قابل توجه این است که با وجود استفاده از آرایه‌های ادبی و استفاده از تکنیک‌های متعدد، نثر طالبوف در گروه نثرهای ساده طبقه بندی می‌شود.

طبیعی است که هنگام بررسی سه اثر یاد شده از طالبوف، عوامل سبکی یکسانی در آنها

نباشد. زیرا قالب مسالک‌المحسنین، داستان است و دو اثر دیگر یعنی ایضاحات و سیاست طالبی، مقالات سیاسی محسوب می‌شوند. زبان داستان، زبانی هنری و زبان مقالات، زبانی علمی است و زبان در این دو گونه، کارکردهای متفاوتی دارد. هم از این رو، بسامد عناصر ادبی در اثری مانند مسالک‌المحسنین بالاتر از دو اثر دیگر بود که امری طبیعی است.



منابع

۱. آدمیت، فریدون، (۱۳۶۳) اندیشه‌های طالبوف تبریزی، انتشارات دماوند، تهران.
۲. آراین‌پور، یحیی، (۱۳۷۵) از صبا تا نیما، تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی، جلد دوم، زوار، تهران.
۳. آژند، یعقوب، (۱۳۷۳) ادبیات داستانی در ایران و ممالک اسلامی، چاپ اول، آرمین.
۴. اصیل، حجت‌الله، (۱۳۷۶) زندگی و اندیشه میرزا ملکم خان، چاپ اول، نشر نی، تهران.
۵. امیر احمدی، مهران، (۱۳۸۵) راهبران فکر مشروطه، چاپ اول، نشر درس، تهران.
۶. امینی، علی اکبر، (۱۳۹۰) گفتمان ادبیات سیاسی ایران در آستانه دو انقلاب، انتشارات اطلاعات، تهران.
۷. بامداد، مهدی، (۱۳۷۸) شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، زوار، تهران.
۸. بهبودی، هدایت‌الله، (۱۳۷۵) درباره ادبیات نوین ایران پیش از نهضت مشروطیت، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
۹. حائری، عبدالهادی، (۱۳۶۴) تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، امیرکبیر، تهران.
۱۰. رئیسینیا، رحیم، (۱۳۷۴) ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم (۳ج)، ستوده، تبریز.
۱۱. شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴) کلیات سبک‌شناسی، چاپ سوم، انتشارات فردوس، تهران.
۱۲. طالب‌اف، عبدالرحیم، (۱۳۲۹) سیاست طالبی به کوشش حاجی سید ابراهیم، تهران.
۱۳. طالب‌اف، عبدالرحیم، (۱۳۵۷) آزادی و سیاست، به کوشش ایرج افشار، انتشارات سحر، تهران.
۱۴. طالبوف، میرزا عبدالرحیم، (۱۳۲۳) مسالک‌المحسنین، قاهره.
۱۵. طباطبایی، سید جواد، (۱۳۸۵) مکتب تبریز و مبانی تجدد خواهی، انتشارات ستوده، تهران.
۱۶. عبداللهیان، حمید، (۱۳۷۷) مروری بر سیر ادبیات داستانی در ایران، ادبیات داستانی تهران.
۱۷. فرشیدورد، خسرو، (۱۳۸۷) تاریخ مختصر زبان فارسی از آغاز تاکنون، انتشارات زوار، تهران.

۱۸. کریستف بالائی و میشل کویی پرس، (۱۳۸۷) سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، مترجم: دکتر احمد کریمی حکاک، انتشارات معین، تهران.
۱۹. محمودیان، محمد رفیع، (۱۳۸۲) نظریه رمان و ویژگی‌های رمان فارسی، چاپ اول، نشر و پژوهش فرزانه روز، تهران.
۲۰. مهرور، زکریا، (۱۳۸۰) بررسی داستان امروز (از دیدگاه سبک و ساختار)، تیرگان، تهران.
۲۱. میرعابدینی، حسن، (۱۳۷۷) صد سال داستان‌نویسی ایران، نشر چشمه، تهران.
۲۲. ولایتی، علی اکبر، (۱۳۶۸) مقدمه فکری نهضت مشروطیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.



Study and analysis of writing style of Talibov based on his three works: Masalekolmohsenin , Izahat dar khosose azadi, Siasate Talebi

Dr.Fatemeh Heydari¹ , Mehrdad Nosrati²

Abstract

Evolution of prose writing style in the second half of Qajar dynasty era is researched in various resources by studying works of pioneers such as Zeyn al-Abedin Maraghei, Talibov, Mirza Malkam Khan, Ahmad Rouhi Kermani and Habib Esfahani. Among above mentioned authors Talibov is one of the intellectual authors who by his works that are written in eloquent prose had great effect on enlightenment of his own era. His works reflect what goes in the society and show his thoughts, ideas and skill in fiction structure. He is considered as one of pioneers of fiction writing. He has made desirable and effective evolution in areas of Persian prose and thought through his familiarity with Persian, Turkish, Russian and Arabic languages. So, his most important works in fiction (Masalekolmohsenin) and political thoughts (Izahat dar khosose azadi) and his last work that was published after his death (Siasate Talebi) are studied comparatively

Key words :Talibov, Prose, Masalekolmohsenin, Izahat dar khosose azadi, Siasate Talebi..

¹ . Associate Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran. (Responsible author)

² . Ph. D. student of Persian language and literature, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran.